

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، مقاله‌ی علمی-پژوهشی

سال چهاردهم، شماره‌ی چهارم، زمستان ۱۴۰۱، پیاپی ۵۴، صص ۲۵-۵۰

DOI: 10.22099/JBA.2022.43925.4250

تحلیل و صورت‌بندی رمانتیسیم اجتماعی در شعر گل‌رخسار صفی‌اوا

ابراهیم خدایار*

عاطفه هومان**

چکیده

گل‌رخسار صفی‌اوا (تولد ۱۹۴۷م) یکی از برجسته‌ترین نمایندگان رمانتیسیم اجتماعی معاصر تاجیک است. وی با پرداختن به دردهای مردم و یادآوری شکوه و عظمت کشورش، روحیه‌ی اعتراض را در هم‌وطنانش تقویت می‌کند. پرسش‌های اصلی پژوهش این است که چه عواملی در عطف توجه گل‌رخسار به رمانتیسیم اجتماعی نقش داشته و مؤلفه‌های بازنمایی‌شده‌ی رمانتیسیم اجتماعی در دیوان او کدام‌اند؟ کدام یک از این مؤلفه‌ها در اشعار شاعر نمود بارزتری دارد و در روند شکل‌گیری فردیتش نقش بیشتری ایفا کرده است؟ تحلیل اشعار شاعر براساس میراث بنیادهای نظری مکتب رمانتیسیم و جریان رمانتیسیم اجتماعی نشان داد که عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر تاجیکستان در دوران شوراهای، در عطف توجه شاعر به رمانتیسیم اجتماعی نقش داشته است. مؤلفه‌های بازنمایی‌شده‌ی رمانتیسیم اجتماعی در شعر او مضامین ناسیونالیستی و وطنی، اعتراض به مسائل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، خودآگاهی، ارزش‌های اخلاقی، توجه به مسائل و مشکلات زنان، پرداختن به عقاید دینی، امید و آرمان‌گرایی و در پایان

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس hesam_kh1@modares.ac.ir (نویسنده‌ی مسئول)

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس atefehhooman22@modares.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۶/۱۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۹

دعوت به مبارزه، آزادی‌خواهی و بیداری است. وضعیت اجتماعی - سیاسی و شکایت و انتقاد از آن، ضمن توجه به مفاهیم ناسیونالیستی در اشعار او نمود بارزتری دارد. شاعر در تمام اشعارش با پناه بردن به خاطرات قومی - ملی حس نوستالژیک عمیقی در مخاطب خود نسبت به وطن با تمام ابعاد آن ایجاد می‌کند و با تمرکز بر این موضوع بر لزوم خودآگاهی و خودشناسی ملی به فردیت می‌رسد، به گونه‌ای که می‌توان او را «شاعر دردهای ملی» نامید.

واژه‌های کلیدی: رمانتیسم اجتماعی، شعر معاصر تاجیک، گل‌رخسار صفی‌اوا.

۱. مقدمه

ایران و فرارود تا آغاز سده‌ی دهم هجری سرنوشت مشترکی داشتند. در این دوره ازبک‌های کوچ‌نشین به رهبری محمد شیبانی بر بخشی از متصرفات تیموریان در این منطقه چیره شدند. به دلیل اختلافات مذهبی و سیاسی بین صفویان و شیبانیان، ارتباطات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران با فرارودان کم‌رنگ شد. در دوران حکومت منغیت‌ها، احمد دانش با سفر به روسیه، اصلاحاتی را برای بهبود شرایط مردم بخارا پیشنهاد داد که مقبول منغیتان واقع نشد. در آغاز نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم، حکومت تزاری روسیه این منطقه را اشغال کرد. با حمله‌ی شوروی در ۱۹۲۰م. خان‌نشین‌های آسیای میانه سقوط کرد و بعد از آن با تشکیل جمهوری‌های مستقل شورایی در وراودان در ۱۹۲۴م. تاجیکستان در محدوده‌ی جمهوری ازبکستان تأسیس شد. این جمهوری در ۱۹۲۹م. در ردیف جمهوری‌های مستقل اتحاد جماهیر شوروی سابق قرار گرفت (رک. خدایار، ۱۳۹۸ الف: ۴۸). زبان و خط رسمی تاجیکستان تا پیش از این فارسی بود؛ اما با تشکیل تاجیکستان به زبان تاجیکی تغییر نام داد و چند سال بعد خط آنان نیز به لاتین تبدیل شد (۱۹۲۹م). مسئله‌ی تغییر خط و نام زبان فارسی به تاجیکی تحت تأثیر جریان روسی‌سازی فرهنگ تاجیکان بود؛ زیرا بعد از این دوره زبان و خط رسمی و دولتی تاجیکستان، روسی شد و مقام تاجیکی به زبان کوچه‌وبازار افول کرد. بلشویک‌ها از هر راهی سود می‌جستند تا با فرهنگ و تمدن پرشکوه تاجیکان مقابله کنند. جریان نابودی فرهنگ تاجیکان همراه

با کتاب‌سوزی‌های زیادی بود و اختناق بر سراسر ادبیات و شعر تاجیکستان سایه افکنده بود و شعر این سرزمین را تا حضيض شعار پایین کشانده بود. بعد از مرگ استالین (Stalin) و روی کار آمدن خروشچف (Khrushchev) در ۱۹۵۳م. و روند مبارزه‌ی او با استالین، کم‌کم فضا برای آشکار شدن شعر حقیقی و بازگشت به تاریخ پرشکوه آریایی در میان شاعران تاجیکی زنده شد. بعد از این دوره شاعران با خودآگاهی و خودشناسی مضامینی را در اشعارشان به کار بردند که پیش از این سابقه نداشت و باعث بیداری و آگاهی مردم نسبت به ستم‌ها و ظلم‌های شوراهای و هویت‌یابی آنان شد. این روند با روی کار آمدن گورباچف (Gorbachev) در ۱۹۸۵م. و آزادی‌ها و اصلاحات ایجادشده از سوی وی، قوت بیشتری گرفت تا با فروپاشی شوروی و استقلال تاجیکستان در ۱۹۹۱م. شعر تا حد زیادی از دیکتاتوری حزبی آزاد و دوره‌ی احیای شعر واقعی تاجیکان آغاز شد.

۱.۱. بیان مسئله

تحلیل و صورت‌بندی رمانتیسم اجتماعی در میراث شعری گل‌رخسار، هسته‌ی اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. مسئله‌ی اصلی این پژوهش این است که چه عواملی در عطف توجه این بانوی شاعر تاجیک به رمانتیسم اجتماعی و بازنمود این مکتب در اشعارش نقش داشته است؟ مؤلفه‌های بازنمایی شده‌ی رمانتیسم اجتماعی در اشعار او کدام‌اند و کدام‌یک از این مؤلفه‌ها در شکل‌گیری فردیت او نقش بارزتری داشته است؟ فرض نویسندگان بر این است که در ادبیات و شعر معاصر تاجیک ویژگی‌هایی وجود دارد که تا حد زیادی با جریان رمانتیسم و گرایش رمانتیسم اجتماعی اروپایی همانندی دارد. باید در نظر داشت که رمانتیسم پدیده‌ای صرفاً ادبی نیست و عوامل اجتماعی و فکری زیادی بر آن مؤثر است. این عوامل و زمینه‌ها هم تا حدودی در وضعیت سیاسی، اقتصادی و فکری تاجیکستان معاصر قابل‌شناسایی است. در جریان رمانتیسم و رمانتیسم اجتماعی شعر معاصر تاجیک نیز تاریخ و جغرافیای پرآشوب تاجیکستان در دوران شوراهای و بعد از آن در دوران استقلال و جنگ شهروندی نقش بسیار پررنگی در عطف توجه این شاعر

به رمانتیسم اجتماعی داشته است. سانسور شدید و حاکمیت رئالیسم سوسیالیستی بر شعر، حمله به هویت و تمدن باشکوه تاجیکان از سمت شوراها و جریان پان‌ترکیست، وضعیت نامطلوب مردم در دوران شوراها از نظر اقتصادی، شعر معاصر روسیه در دهه‌ی شصت، جریان خودشناسی و خودآگاهی شاعران بعد از مرگ استالین از عواملی است که سبب پیداشدن این جریان در شعر معاصر تاجیک و اشعار گل‌رخسار شده است. بعد از مرگ استالین، شاعران معاصر تاجیک از فضایی که در دوران اصلاحات خروشچف و بعدها در دوران گورباچف (Gorbachev) ایجاد شده بود، نهایت استفاده را بردند و بازگشت نرم به سنت‌ها و میراث‌های ملی و هویتی خود داشتند؛ این جریان با مؤمن قناعت (۱۹۳۲-۲۰۱۸م) در اوایل دهه‌ی شصت آغاز شده بود و بعد از آن با لایق شیرعلی (۱۹۴۱-۲۰۰۰م)، بازار صابر (۱۹۳۸-۲۰۱۸م) و صفی‌اوا ادامه یافت. عمده‌ترین و اصلی‌ترین جلوه‌ها و جنبه‌های رمانتیسم اجتماعی میراث شعری گل‌رخسار، مضامین ناسیونالیستی و وطنی است. بازنمود وطن در قالب تاریخ و تمدن باشکوهش یکی از میراث‌های فکری وی است. توجه به مسائل سیاسی و اجتماعی و اعتراض به وضعیت جامعه در دوران شوراها و بعد از آن، مضامین اخلاقی و تعلیمی، دین و مؤلفه‌های اعتقادی، خودشناسی و خودآگاهی و امید و آرمان‌گرایی از دیگر مؤلفه‌های بازنمایی شده‌ی رمانتیسم اجتماعی در شعر گل‌رخسار است. ظهور رمانتیسم اجتماعی با تحولات تاریخی، اجتماعی و سیاسی تاجیکستان در دوره‌ی معاصر ارتباط تنگاتنگی دارد؛ به گونه‌ای که نگارندگان ناگزیرند در تحلیل‌های خود پیوسته به این تحولات و عوامل رجوع کنند تا بتوانند به صورت علمی و دقیق این مؤلفه‌ها را شناسایی و میراث شعری این بانوی تاجیک را بر اساس رمانتیسم اجتماعی صورت‌بندی کنند.

۲.۱. پیشینه‌ی پژوهش و جنبه‌ی نوآورانه

با فروپاشی شوروی و ایجاد روابط فرهنگی بین ایران و تاجیکستان بعد از استقلال در سال ۱۹۹۱م. علاوه بر چاپ و نشر آثار ادبی و شعری شاعران و نویسندگان تاجیک از

سال ۱۳۷۲ ش. مقاله‌ها و طرح‌های پژوهشی مستقل نیز درباره‌ی شعر معاصر تاجیکستان در ایران تألیف شده است. بیشتر این آثار به‌طور مستقیم به این پژوهش مرتبط نیست و بسیاری از آن‌ها علاوه بر اینکه تنها حاوی اطلاعات تذکره‌ای هستند، علمی نیز نیستند. ادبیات فارسی در تاجیکستان، نوشته‌ی بچکا، ترجمه‌ی عبانژاد هجران‌دوست و عبادیان (۱۳۷۲)، پیش از فروپاشی شوروی تألیف شده است و رنگ‌وبوی مارکسیستی دارد. در همین سال، تاجیکان در مسیر تاریخ نوشته‌ی میرزا شکورزاده چاپ شد. شکورزاده در این کتاب به بررسی هویت، فرهنگ و جغرافیای قوم تاجیک پرداخته است. خورشیدهای گمشده، نوشته‌ی علیرضا قزوه (۱۳۷۶) هرچند گزیده‌ای از شعر معاصر تاجیکستان است؛ اما مقدمه‌ای دارد که از نسل‌های شاعران معاصر صحبت می‌کند. زبان و ادب فارسی در فرارود نوشته‌ی مسلمانیان قبادیانی (۱۳۷۶) مراحل و دوره‌های ادبیات نو تاجیکی را بررسی کرده است. چشم‌انداز شعر معاصر تاجیکستان، نوشته‌ی علی‌اصغر شعر‌دوست (۱۳۷۶) تا حدودی ما را با شعر معاصر تاجیکستان آشنا می‌کند. این کتاب در زمان خودش مطالب تازه‌ای را عرضه کرده بود. جویبار لحظه‌ها، جریان‌های ادبی معاصر ایران، نوشته‌ی محمدجعفر یاحقی (۱۳۷۸)، بخش مجزایی را به شعر معاصر تاجیکستان اختصاص می‌دهد. ابراهیم خدایار نیز در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی درباره‌ی ادبیات فرارود انجام داده است؛ دو کتاب او *غریبه‌های آشنا* و *از سمرقند چو قند* که هر دو در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسیده‌اند از این نمونه‌اند. وی در کتاب *از سمرقند چو قند* ضمن مقدمه‌ای در تاریخ تحول ادبیات تاجیک در سده‌ی بیستم، مجموعه‌ای از شعر شاعران تاجیکی ازبکستان را گردآوری کرده است. در کتاب *غریبه‌های آشنا* نیز به بیان وضعیت شعر فارسی فرارود در قرن بیستم، با تکیه بر دو محیط ادبی «خوقند» و «خوارزم»، وضعیت فرهنگی و تاریخی گذشته و حال این سرزمین پرداخته است. *زنگوله‌زنان گذشت باران*، نوشته‌ی مجیب مهرداد و بهروز ذبیح‌الله (۱۳۹۰) گذری بر شعر معاصر تاجیکستان در قرن بیستم است. این کتاب نگاهی به بعضی از جریان‌های شعری و همچنین نگاهی به آثار بعضی از شاعران اثرگذار تاجیک داشته است. پایان‌نامه‌هایی نیز در سال‌های اخیر در

باب شعر معاصر تاجیکستان نوشته شده: بررسی تطبیقی ادب پایداری در شعر شاعران معاصر ایران، افغانستان و تاجیکستان سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۲، پایان‌نامه‌ی دکتری عبدالمجید ارجمندی (۱۳۹۰) به بررسی ادبیات و شعر معاصر تاجیک و مضامین پایداری و مقاومت در آثار شعری شاعران معاصر تاجیکی پرداخته است. بررسی سبک‌شناسانه اشعار گل‌رخسار صفی‌اوا، نوشته‌ی یاسمن نعمتی (۱۳۹۱) که شعر گل‌رخسار را از منظر سبک‌شناسی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی کرده است. وی درباره‌ی مضامین وطنی فقط به‌عنوان مؤلفه‌ای فکری در اشعار گل‌رخسار صحبت کرده است. پایان‌نامه‌ی مقایسه‌ی مؤلفه‌های فکری در اشعار پروین اعتصامی و گل‌رخسار صفی‌اوا (۱۳۹۴) از ناهید ظهراب‌بیگی یکی دیگر از این پژوهش‌ها است که نگارنده به بررسی و تحلیل ویژگی‌های فکری اشعار صفی‌اوا در مقایسه با اشعار پروین اعتصامی پرداخته. در رساله‌ی بررسی و شناخت جریان‌های شعری ایران و تأثیر آن بر شعر معاصر تاجیکستان پس از انقلاب (۱۳۹۷) نوشته‌ی محمداسماعیل شفیع‌پور تلاش شده تا جریان‌های شعری معاصر ایران را بر شعر معاصر تاجیکستان بررسی کند. خدایار در مقاله‌ی «دوره‌بندی شعر معاصر تاجیک: از روشنگری تا استقلال» (۱۳۹۸)، دوره‌بندی دقیقی برای شعر معاصر تاجیک پیش روی مخاطب قرار می‌دهد. وی همچنین در مقاله‌ی «تحلیل نوستالژی وطن در میراث شعری بانوی معاصر تاجیک، گل‌رخسار صفی‌اوا» (۱۳۹۸)، به تغییر و تحولات این مفهوم در اشعار شاعر در دوران‌های مختلف شاعری‌اش پرداخته است. این مقاله از معدود پژوهش‌هایی است که تا حدود زیادی با موضوع ما پیوند دارد.

اساس و بنیاد نظری این پژوهش بر مبنای مکتب رمانتیسم است. درباره‌ی این مکتب و دیدگاه‌های آن، کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی تألیف شده است.^۱ درباره‌ی رمانتیسم در شعر معاصر تاجیک تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده و تا آنجا که نگارندگان می‌دانند بررسی رمانتیسم اجتماعی در شعر معاصر تاجیک در هیچ‌یک از آثار یادشده نیامده؛ بنابراین هم‌عنوان پژوهش و هم‌کاربست آن در مجموعه‌ی اشعار شاعر نوآورانه است و

با تسری در بررسی اشعار دیگر شاعران معاصر تاجیک به نتایج گسترده‌تری در این حوزه خواهد انجامید.

۲. بحث و بررسی

۲.۱. عوامل و زمینه‌های ظهور رمانتیسم و رمانتیسم اجتماعی در شعر معاصر تاجیکستان

و گل‌رخسار

رمانتیسم یکی از پیچیده‌ترین مکتب‌های فلسفی و ادبی معاصر است که جنبه‌های متناقض و متضاد آن، مانع ارائه‌ی تعریف جامع و کاملی از آن می‌شود. عده‌ای معتقدند: «رمانتیسم در واقع نهضتی فلسفی و ادبی است که در زمینه‌ی ادب به رجحان احساس و تخیل به‌جای استدلال و تعقل تأکید دارد» (دادخواه و حیدری، ۱۳۸۵: ۱۱۶). مهم‌ترین اصول این مکتب را می‌توان در احساس‌گرایی، بازگشت به طبیعت، دعوت به آزادی از سنت ادبی گذشتگان، استفاده از نماد و اسطوره، اصالت دادن به «من» و بهره‌گیری از نیروی تخیل دانست (رک. الیوت، ۱۳۷۵: ۲۷۴-۲۷۷). یکی از شاخه‌های رمانتیسم، رمانتیسم اجتماعی است. اگرچه نمی‌توان مرزبندی دقیقی بین زیرمجموعه‌های رمانتیسم انجام داد؛ ولی معمولاً رمانتیسم جامعه‌گرا در مقابل رمانتیسم فردگرا مطرح است. در رمانتیسم اجتماعی، هنرمند از دغدغه‌های فردی و درون‌گرایی بیرون می‌آید و به مسائل اجتماعی مانند بی‌عدالتی، فقر، فساد و فحشا می‌پردازد. ادبیات معاصر تاجیکستان در بسیاری از موارد با ادبیات غرب متفاوت است و نمی‌توانیم ادعا کنیم که یک مکتب ادبی اروپایی بدون کم‌وکاست بر یک دوره از شعر تاجیکستان تأثیر گذاشته است؛ اما شعر معاصر تاجیکستان با توجه به تحولات آن، آشنایی با ادبیات پربرار روسیه و شاعران و نویسندگان بزرگ آن مانند لرمانتوف (Lermontov)، پوشکین (Pushkin)، گوگول (Gogol) و تولستوی (Tolstoy)، استیلای روس بر این منطقه از دهه‌ی هشتاد قرن نوزدهم و بعد دوران شوراهای و عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن، بستر مناسبی را برای این جریان و گرایش شاعران به آن پدید آورد. در واقع رمانتیسم شکل‌گرفته در

این منطقه در واکنش به سیاست‌ها و عواملی است که تاجیکستان پشت سر گذاشته، این عوامل را می‌توان ذیل عوامل سیاسی، اقتصادی-اجتماعی و فکری-فرهنگی تحلیل و بررسی کرد:

۲. ۱. ۱. عوامل سیاسی

۲. ۱. ۱. ۱. شوراهای و جریان رئالیسم سوسیالیستی

رمانتیسم شکل‌گرفته در شعر معاصر تاجیکستان در واکنش به رئالیسم سوسیالیستی شوراهای بود. رئالیسم سوسیالیستی هنر و ادبیات را موظف به رعایت قواعد خود می‌کرد. به‌دنبال این سیاست، در سراسر ادبیات اتحاد شوروی از جمله تاجیکستان «ادبیاتی قالبی و یک‌رنگ» با مضامین و درون‌مایه‌هایی مشابه و شعارزده پدید آمد (رک. ذبیح‌الله، ۱۳۸۶: ۲۱). پس از مرگ استالین در دوران خروشچف، فضای نسبتاً آرامی شکل گرفت که شاعران معاصر تاجیک به رهبری مؤمن قناعت، لایق شیرعلی، بازار صابر و گل‌رخسار صفی‌اوا اندک اندک شعر را از آن فضای سوسیالیستی و مارکسیستی بیرون کشیدند و به مسائل جامعه و خودشناسی و خودآگاهی ملی پرداختند (رک. ستارزاده، ۲۰۰۲: ۹۳؛ خدایار، ۱۳۹۸: ۳۹-۴۰).

۲. ۱. ۱. ۲. جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵)

اشعار و آثاری که در دوران جنگ جهانی نوشته شده بود، پیش‌زمینه‌ی ظهور جریان رمانتیک در شعر معاصر تاجیک است. در این دوره، بلشویک‌ها برای نخستین بار به نویسندگان و شاعران اتحاد شوروی اجازه دادند تا از نمادها، قهرمانان و اساطیر فرهنگی، قومی و ملی خود برای تهییج روحیه‌ی سربازان استفاده کنند (رک. ذبیح‌الله، ۱۳۸۶: ۲۴). این کار زمینه‌ای شد تا شاعران معاصر تاجیک به فرهنگ و تاریخ پرشکوه خود مراجعه کنند.

۲. ۱. ۱. ۳. شکل‌گیری جغرافیای جدید در منطقه

پس از تقسیم‌بندی و ورود و شکل‌گیری جمهوری‌های پنجگانه‌ی شورایی در سال ۱۹۲۴م. جغرافیای جدیدی در این منطقه پدید آمد. در این تقسیم‌بندی، دوشنبه، روستایی خُرد، پایتخت تاجیکستان شد و با تلاش بلشویک‌ها و ملی‌گرایان ترک، شهرهای تاریخی

و فرهنگی سمرقند و بخارا از ورود به پیکره‌ی تاجیکستان بازماند و در دل ازبکستان قرار گرفت (رک. بچکا، ۱۳۷۲: ۱۱۲؛ خدایار، ۱۳۸۴ الف: ۳۲). جدایی این شهرها و همچنین نادیده گرفتن موجودیت تاجیک‌ها و هویت آنان سبب شد تا شاعران و نویسندگان در دوره‌های بعد با لحنی رمانتیک و اعتراضی به این مسئله نگاه کنند و تاریخ باشکوه این سرزمین‌ها را که با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی تباران گره خورده است، به خاطر بیاورند.

۲. ۱. ۱. جنگ شهروندی

از استقلال تاجیکستان و فروپاشی شوروی، یک سال نگذشته بود که وطن گل‌رخسار درگیر جنگ شهروندی شد. دشمنان خارجی و سیاست‌مداران داخلی، مسببان اصلی این جنگ بودند (رک. خدایار، ۱۳۹۷ ب: ۴۰)؛ جنگی که نتیجه‌ای جز ویرانی و خرابی، نسل‌کشی، غربت و هجران و فقر و بدبختی نداشت. شاعران معاصر تاجیک و گل‌رخسار صفی‌اوا از این جنگ بسیار خشمگین بودند؛ چون باعث ویرانی وطن آنان شده بود؛ به همین دلیل رمانتیسیم بار دیگر در اشعار این شاعران زبانه زد و با بیانی اندوهگین و سرشار از اعتراض، به این جنگ و عاملان ویرانی وطن تاخت.

۲. ۱. ۲. عوامل اجتماعی و اقتصادی

مردمان فرارود بعد از جدایی از ایران همواره موردستم بودند. ظلم امیران شیبانی، اشترخانی و منغیتی این سرزمین را به قهقرای نابودی کشانده بود. این وضعیت که در دوران منغیتیان ادامه داشت، سبب شد تا مردم به روسیه اعتماد کنند؛ زیرا آنان با شعارهای برابری، آزادی و دفاع از حقوق مظلوم، وعده‌ی آرمان‌شهر و مدینه‌ی فاضله را به مردم می‌دادند. بعد از استقرار کامل شوراهای سیاست‌های شوم آنان آشکار شد؛ یکی از این سیاست‌ها کتاب‌سوزی و قتل میلیون‌ها انسان بی‌گناه و صدها روشن‌فکر تاجیک بود (رک. ارجمندی، ۱۳۹۰: ۳۴۱). وضعیت اجتماعی و اقتصادی مردم در این دوران نه تنها تغییری نکرد؛ بلکه می‌توان گفت بدتر هم شد. تک‌محصولی کردن زمین‌های کشاورزی و تبدیل آن‌ها به پنبه‌زارها، تبدیل تاجیکستان به بازاری برای فروش کالاهای روسی، دادن

امتیازات فراوان به مطیعان خود و ایجاد نابرابری، افزایش فقر و اعتیاد در بین مردم و... از عواملی است که بعد از مرگ استالین مورد توجه شاعران قرار می‌گیرد.

۲. ۱. ۳. عوامل فکری و فرهنگی

۲. ۱. ۳. ۱. معارف پروران و جدیدان

مهم‌ترین هدف و برنامه‌ی معارف‌پروران و جدیدان، اصلاحات آموزشی و فرهنگی بود. این افکار با احمد دانش آغاز شد و بعد از او حلقه‌ی طرفدارانش راهش را ادامه دادند. توجه به مسائل سیاسی و اجتماعی و اعتراض به حاکمان منغیتی و درباریان از جمله کارهایی بود که آن‌ها انجام می‌دادند. جریان رمانتیسم اجتماعی را در نوشته‌ها و اشعار روشن‌فکران و جدیدان مانند اشعار و نوشته‌های عینی و فطرت می‌توان دید؛ اما با غلبه‌ی شوراها و رئالیسم سوسیالیستی این جریان در نطفه خفه شد (رک. خدایار، ۱۳۹۷: ۳۵-۳۶).

۲. ۱. ۳. ۲. حمله به زبان و خط فارسی

داستان تغییر خط تاجیکان در سده‌ی بیستم عمیقاً با تغییر هویت در میان تاجیکان پیوند خورده است. جدایی تاجیکان از گذشته‌ی خود با این تغییر شدت بیشتری به خود گرفت. سیاست‌های شوم بلشویک‌ها تنها به تغییر خط بسنده نکرد؛ بلکه آن‌ها درصدد روسی‌سازی فرهنگ تاجیکان بودند و توانستند روسی را به‌عنوان زبان حکومتی به‌جای فارسی بر کرسی نشانند؛ اما شاعران وطن‌دوست معاصر تاجیک بر این امر واقف بودند و با خودآگاهی ملی از زمان خروشچف به‌دنبال بازیابی هویت خود بودند و از طریق رمانتیسم اجتماعی و ناسیونالیسم رمانتیکی این هویت و فرهنگ فراموش‌شده را دوباره به تاجیکان بازگرداندند (رک. شکوری بخارایی، ۱۳۸۴: ۲۷).

۲. ۱. ۳. ۳. حمله به دین و اصول اعتقادی

یکی دیگر از هدف‌های حمله‌ی شوراها، دین و اعتقادات مردم بود. شکوری بخارایی در این باره می‌گوید: «یکی از جدی‌ترین باخت‌های جامعه‌ی شوروی از بنیاد معنوی محروم گردیدن حیات انسان و بازجست‌های ادبی نویسندگان بود... ایدئولوژی شوروی به مادیت و نظر صنفی، به بی‌دینی اساس یافته بود» (شکوری بخارایی، ۱۳۸۲: ۳۰). این

سیاست باعث بن‌بست روحی و معنوی الهام و نبوغ شاعران و نویسندگان می‌شد؛ زیرا آبشخور شعر، روح و الهام است و آبشخور روح چیزی جز دین و عرفان نیست که شوراها آن را فتوادلایته قلمداد می‌کردند و با سانسور مانع آن می‌شدند (رک. ذبیح‌الله، ۱۳۸۶).

۲. ۱. ۳. ۴. ادبیات روسیه

هم‌زمان با تحولات و عوامل یادشده، آشنایی با ادبیات غنی روس یکی از مهم‌ترین دلایل گرایش شاعران معاصر تاجیک به رمانتیسم است. تا پیش از شوراها، شاعران تاجیک از طریق ترجمه با ادبیات غنی روسیه آشنایی داشتند، بدون شک شاعران رمانتیک روسیه مانند لرمانتوف، پوشکین، گوگول در قرن نوزدهم که آثار و اشعارشان زبان‌زد همه‌ی دنیا بود، بر ذهن و اندیشه‌ی شاعران تاجیک نیز اثرگذار بودند. در دوران شوراها و رواج اندیشه‌ی رئالیسم سوسیالیستی، گورکی با تبلیغ انسان انقلابی در قامت شاعری رمانتیک، پرچم آرزوهای دست‌نیافتنی مردم انقلابی را به دست گرفت و به الگویی برای نویسندگان و شاعران رئالیستی، اما در عمل رمانتیک، در کشورهای عضو اتحاد جماهیر شوروی تبدیل شد (رک. روسوا و کورزوف، ۱۳۹۴: ۸۴-۹۰؛ شکوری بخارایی، ۱۹۷۸: ۶۶؛ عصازاده، ۱۹۹۹: ۶۱). بعد از مرگ استالین فضای ادبی و شعری روسیه اندک‌اندک از ایدئولوژی سوسیالیستی فاصله گرفت و شاعرانی چون آنا آخمتووا (Anna Andreyevna)، پفتشنکو (Yevtushenko) و آکوژوا (Okuzhava) در دهه‌ی شصت بار دیگر به رمانتیسم رجوع کردند. شعر دهه‌ی شصت روسیه شعری با جریانی کاملاً اجتماعی و رمانتیکی بود که دردها و اعتراض‌هایشان را در قالب همدلی با طبیعت و احساسات لطیف و تصویرهای رمانتیکی به نمایش می‌گذاشت (رک. روسوا، رودایا و کورزوف، ۱۳۹۴: ۴۶۲-۴۶۴). نگاه شاعران معاصر تاجیک نیز به فضای ادبی روسیه بود و این جریان بر شعر معاصر تاجیک اثر گذاشت و شاعران از این دهه به بعد به مسائل اجتماعی و مردمی پرداختند (رک. خدایار، ۱۳۹۷: ۳۷-۳۹).

۲.۲. جلوه‌های رمانتیسم اجتماعی در شعر گل‌رخسار

درواقع رمانتیسم اجتماعی حاصل فاصله گرفتن شاعران و نویسندگان از جریان رمانتیسم فردی و عاشقانه و نزدیک شدن به جریان سمبولیسم است (رک. حسین‌پور چافی، ۱۳۸۴: ۱۶۲). این گرایش، رمانتیسم را برای مبارزه با سیاست و عشق به آزادی، انقلاب و وطن به کار می‌گیرد. هنرمند در این گرایش از مرحله‌ی فردیت عاشقانه عبور می‌کند. این جریان در شعر معاصر تاجیکستان از دهه‌ی شصت به بعد پررنگ می‌شود و مختص شعر گل‌رخسار نیست؛ بلکه بعد از مرگ استالین و روی کار آمدن خروشچف به جریان فراگیری در شعر تبدیل شد که از دل وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تاجیکستان و اندیشه و دغدغه‌های اجتماعی شاعران نشئت گرفته است. این وضعیت و دغدغه‌ها نتیجه‌ی سرکوب بلشویک‌ها و حاکمیت بی‌چون‌وچرای رئالیسم سوسیالیستی دوران استالین بود که تاریخ و تمدن باشکوه و بزرگ تاجیکان را به فراموشی می‌سپرد و با شعارهای برابری و آزادی، مردم این کشور و شاعران آن را به ستایش شوروی و سیاست‌های آن سوق می‌داد (رک. شکوری‌بخارایی، ۱۳۸۴: ۲۲). با آزادی‌های نسبی ایجادشده در اتحاد شوروی و تاجیکستان، بازگشت نرم و آرامی به سنت‌ها آغاز شد و شاعران و ادیبان فرصتی به دست آوردند تا شعر حقیقی و مردمی بسرایند که بازتاب شرایط جامعه و دردهای مردم باشد؛ درحقیقت از این تاریخ به بعد ما شاهد جریان رمانتیسم اجتماعی در شعر معاصر تاجیکستان هستیم که با مؤمن قناعت آغاز شد و در ادامه با لایق شیرعلی، بازار صابر و گل‌رخسار صفی‌اوا ادامه یافت. این روند در دوره‌ی گورباچف (۱۹۸۵-۱۹۹۱) به تکامل رسید و با فروپاشی شوروی و استقلال تاجیکستان (۱۹۹۱)، خودشناسی و خودآگاهی ملی در بین آنان گسترش یافت. شاعران با استفاده از فضای ایجادشده به سمت بازسازی خاطرات گذشته‌ی ملت خود رفتند و به تقویت هویت و ملیت مردم خویش پرداختند؛ البته طولی نکشید که بار دیگر تاجیکستان درگیر درد و رنج ناشی از جنگ شهروندی شد (۱۹۹۲). غربت و مهاجرت شاعران از وطن از این تاریخ به بعد، اشعار رمانتیکی زیبایی را آفریده است. شاعران با زبان و بیانی رمانتیک در

قالب همدلی با طبیعت، مضامینی چون اعتراض به مسببان جنگ، آرمان‌گرایی و امید به پایان یافتن جنگ و آمدن بهار، صلح را به تصویر کشیده‌اند. عمده‌ترین و اصلی‌ترین جلوه‌ها و جنبه‌های رمانتیسم اجتماعی، میراث شعری گل‌رخسار در هفت بخش زیر بررسی می‌شود:

۲. ۱. میهن افتخار و ملت خورشید: ناسیونالیسم و مضامین وطنی

وطن و ملت دو مضمون پرتکرار و اصلی شعر صفی‌اوا است. «من از همان نخستین کتابم، بنفشه، هر دوی این موضوعات را در شعر داشتم؛ هم وصف زیبایی‌های طبیعت را و هم موضوعات اجتماعی و میهنی را.» (صفی‌اوا، ۱۳۹۳: ۷۸). مضامین وطنی در شعر او صبغی هویت‌شناسانه و فرهنگی دارد. بعد از تغییر خط و سیاست فارسی‌زدایی روس‌ها و قرار گرفتن تاجیکستان در قالب بخشی از سرزمین بزرگ شوراهای، تاریخ و فرهنگ هزارساله‌ی تاجیکان به‌عمد و با هدف ملیت‌زدایی سانسور شد. در دوره‌ی اصلاحات خروشچف و شکل کامل‌تر آن بازسازی‌های گورباچف، شاهد جریان خودآگاهی و بیداری تاجیکان هستیم که شاعران و نویسندگان از جمله گل‌رخسار به سنت‌ها و تمدن باشکوه میهنی خود بازگشتند و به ستایش وطن بومی و سرزمین مادری خود پرداختند. در اشعار صفی‌اوا، وطن با همه‌ی ابعادش (جغرافیایی - بومی و تاریخی - فرهنگی) نفس می‌کشد (رک. خدایار، ۱۳۹۸ الف: ۵۵). از میان قالب‌های شعری گل‌رخسار، غزل و نوسروده‌های او بازتاب عمیق مضامین وطنی است. غزل یکی از قالب‌هایی است که صفی‌اوا برای مضامین اجتماعی و وطنی به کار گرفته است. بیشتر غزل‌های سال‌های مهاجرت گل‌رخسار، مرثیه‌ها و سوگ‌سروده‌هایی در غم بزرگ وطن است و مضمون بیشتر این غزل‌ها اجتماعی و میهن‌پرستی و نکوهش دردها و رنج‌هایی است که بر اثر جنگ داخلی بر سر مردم آمده و شاعر و بسیاری دیگر از هم‌میهنانش را از وطن دور کرده است. «نبض گریان» (صفی‌اوا، ۱۳۹۵: ۸۸)، «رقص شرر» (همان: ۸۹-۹۰)، «سرشک خشک» (همان: ۹۱-۹۲) و... یکسره در حال‌وهوای وطن تنفس کرده و در حکم سوگ‌سروده‌هایی است که در قالبی رمانتیک، درد و رنج او و هم‌وطنانش را به تصویر می‌کشد:

مرا هجر وطن بی‌بال و پر کرد
ز وصلش شادی و فر خواستارم
(همان: ۱۰۱)

میزان علاقه‌ی گل‌رخسار را به شعر نو از حجم این اشعار نسبت به شعرهای کلاسیکی او می‌توان سنجید. اشعار نو (نیمایی و سپید) گل‌رخسار تقریباً نیمی از مجموعه‌ی اشعار اوست و عمیق‌ترین مفاهیم ناسیونالیستی و وطن‌پرستانه را باید در همین اشعار جست‌وجو کرد. نوسروده‌های او در سال‌های منتهی به نابودی بلشویک‌ها و در آستانه‌ی استقلال تاجیکستان و جنگ شهروندی، حاوی مضامین وطن‌پرستانه و حسرت و دریغ بر وطن است و شاعر سعی کرده که وطنش را به دامان تاریخ بیفکند و میهن پاره‌پاره‌اش را با قهرمانان باستانی پیوند بزند تا از این طریق مرهمی بر هویت و ملیتی باشد که تا پیش از این موردحمله‌ی بلشویک‌ها قرار گرفته بود و اکنون درگیر جنگ شهروندی است. «شب‌خند» (همان: ۴۵۳-۴۵۴) شعری است که گل‌رخسار آن را در آستانه‌ی فروپاشی شوروی سروده. درحقیقت این شعر سوگ‌نامه و مرثیه‌ای در غم وطن و میهن مظلومش است که در بند آخر آن ما با عمق دردها و رنج‌هایی که بر سر تاجیکستان آمده، آشنا می‌شویم. شعرهای «ملت خورشید» (همان: ۴۷۵-۴۷۷)، «سنگر» (همان: ۴۷۸-۴۷۹)، «زبان آتش» (همان: ۴۸۲-۴۸۳) و... وطن درگیر جنگ شهروندی را نشان می‌دهد. برخی از این اشعار، وطن را به تاریخ و تمدن هزارساله‌اش پیوند می‌زند؛ برای نمونه در شعر «در مزار عشق» نابودی وطن به‌وسیله‌ی جنگ شهروندی را به میزان نابودی شکوه و عظمت سامانیان برای تاجیکان دردناک می‌داند. شعرهای «ایران و توران» (همان: ۴۳۵-۴۳۷)، «شاهنامه» (همان: ۴۶۳-۴۶۴)، «ملت خورشید» (همان: ۴۷۵-۴۷۷) و «آریانا» (همان: ۵۱۲-۵۱۵) درباره‌ی پیوند تاجیکستان با تاریخ و تمدن پرافتخار و باشکوهش است. این اشعار اسطوره‌ها و قهرمانان تاریخی سرزمین آریان را روایت می‌کند. شعر «ژکان» بازنمود سرنوشت تلخ و شیرین تاجیکان است. این شعر همانند شاهنامه لحنی خطابی و حماسی دارد. وطن شاعر، تاجیکستان است؛ اما آن را با وطن تاریخی و فرهنگی‌اش پیوند زده است.

۲.۲.۲. شاعر دردهای ملی: اعتراض به وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

شخصیت اجتماعی و انتقادی گل‌رخسار در جای‌جای اشعارش منعکس شده. اندیشه‌ی شعری او بر دو چیز استوار است: میهن و ملت و به همین دلیل او را «شاعر دردهای ملی» می‌نامیم. شوراها و سیاست‌های استعماری آنان، فقر و بدبختی تاجیکان، سیاست‌مداران داخلی، جنگ شهروندی و عواقب ویران‌کننده‌ی آن، نبود وحدت بین مردم و انتقاد از شاعران متملق حزبی، مضامینی است که شاعر با لحنی انتقادی در اشعارش به‌ویژه غزل‌هایش به نمایش می‌گذارد، به‌گونه‌ای که غزل‌های صفی‌اوا را می‌توان غزل‌های انتقادی-اجتماعی نامید. یکی از مضامین پررنگ غزل‌های صفی‌اوا که در سال‌های جنگ شهروندی تاجیکستان و مهاجرت او سروده شده، انتقاد از این جنگ و عواقب ویران‌کننده‌ی آن است. در این غزل‌ها فرم و رنگی اندوهگین و رمانتیک را می‌بینیم که از دردهای مردم و وطن در قالب همدلی با طبیعت حکایت می‌کند. فرم و قالب مکتب رمانتیسم را به‌خوبی در غزل «سطر باران» (همان: ۷۷) مشاهده می‌کنیم. دریا با شاعری وطنی که دیارش پاره‌پاره شده است، همدلی می‌کند و استحاله‌ی کامل احساس شاعر در طبیعت را مشاهده می‌کنیم. در غزل «بزم ناز غنچه‌ها» (همان: ۶۲) شاعر دیگر از آمدن بهار شادمان نیست؛ زیرا جنگ شهروندی بهار کشورش را نابود کرده. این شعر سراسر اعتراض و شکایت از جنگ شهروندی و عواقب آن است.

شکایت و انتقاد از سیاست‌مدارانی که ستون پنجم دشمن شده‌اند تا وطن را به‌واسطه‌ی باتلاق جنگ شهروندی نابود کنند، از مضامینی است که گل‌رخسار به آن توجه ویژه‌ای دارد. در غزل «نغمه‌ی ناجور» (همان: ۱۰۵-۱۰۶) شاعر از دشمنی خارجی‌ها باکی ندارد؛ بلکه این خیانت خودی‌هاست که او آن را عامل ویرانی وطن می‌داند. صفی‌اوا این مضمون را به‌زیبایی در قالب نمادآفرینی «محمود و ایاز» نشان می‌دهد:

خصم بدخو را خدا بخشد، مرا خصم خویشِ سغله‌سازم می‌کشد

آگهم از وحشت محمودها خشم و پندار ایازم می‌کشد
(همان: ۱۰۵-۱۰۶)

نبود وحدت و «هم‌صدای دست‌گیر» یکی از غم‌های بزرگ شاعر است. وحدت و همدلی از مفاهیم بسیار والای شعر گل‌رخسار است. وی همواره در غزل‌هایش از نبود وحدت و یگانگی بین مردم شکایت می‌کند و آن را عامل سوءاستفاده‌ی دشمنان می‌داند. در غزل «آزادی قفس» (همان: ۵۵-۵۶) از نبود وحدت بین مردم شکایت می‌کند. گل‌رخسار، یکی از مسببان اصلی نابودی فرهنگ و تمدن تاجیکان را بلشویک‌ها می‌داند و هر وقت فرصتی پیدا می‌کند، این نارضایتی و اعتراض را در اشعارش نمایش می‌دهد. شاعر در غزل «رسوای وفای وطن» (همان: ۱۲۱-۱۲۲) با طنزی تند اوضاع و احوال تاجیکان را در دوران بلشویک‌ها، باتلاقی گندیده می‌داند که هیچ راه‌گزینی به رودخانه ندارد و سرابی است که آن‌ها را فریب داده. «گل‌نار» (همان: ۱۲۵) غزلی است که گل‌رخسار در آن با زبانی استعاری و کنایه‌آمیز، از بلشویک‌ها با عنوان «خار»، «اغیار» و «بی‌عار» یاد می‌کند و بیان می‌کند که تمامی اعتراض‌هایش برحق است و از چیزی بیم ندارد.

علاوه بر غزل، مضامین اجتماعی و سیاسی از جان‌مایه‌های اصلی نوسروده‌های وی است. شکایت و انتقاد از بلشویک‌ها بعد از سیاست «بازسازی» و «آزادی بیان» در دوران گورباچف (Gorbachev)، به یکی از پررنگ‌ترین مضامین شعری صفی‌اوا تبدیل شد. «شب‌خند» روایتگر دردهای وطن است که شاعر به سوگ همه‌ی این دردها و رنج‌ها نشسته و طبیعت و چشمه با شاعر عزادار است: «چون باد می‌زنم در زنجیربند کوه، / چون چشمه زیر سنگ وطن گریه می‌کنم. / بنهاده سر به سینه‌ی کیهان خنده‌کش، / در خواب هم برای وطن / گریه می‌کنم / شب‌خنده می‌کند، / من گریه می‌کنم.» (همان: ۴۵۳-۴۵۴). تاجیکستان همانند دیگر کشورهای اتحاد شوروی در جبهه‌ی یکی از طرفین اصلی جنگ جهانی دوم بود. گل‌رخسار در شعر «توت تلخ» (همان: ۴۲۳) آشکارا به تبعات این جنگ و معلولیت بسیاری از هم‌وطنانش پرداخته است. وی در این شعر اندیشه‌ی وطن‌سوسیالیستی و جنگ بزرگ میهنی را به تمسخر می‌گیرد و وطن و مردمش را فریب‌خورده‌ی دوزخی

فردوس‌نما می‌داند که بلشویک‌ها برایشان ساخته بودند. گل‌رخسار به ترسیم اوضاع دوران جنگ شهروندی و بیان عواقب آن در اشعارش به‌ویژه نوسروده‌هایش توجه ویژه‌ای دارد. وی این جنگ را به جنگ سهراب‌کشی می‌شناسد و طرفین درگیر را پدر و پسرهایی می‌داند که با دستان خودشان باعث درد و رنج مردم، یتیم شدن کودکان، بیوه شدن زنان و نسل‌کشی شده‌اند. شعر «کفتار و کفتار» (همان: ۴۵۰) خطاب به مسببان این جنگ است و اعتراض خود را نسبت به آن‌ها با تصاویری چون «بی‌هنر»، «روسیه» و «کفتار» نشان می‌دهد. «عالم اسرار» تصویرپرداز تاجیکستانی است که در دوران جنگ شهروندی از «خنده‌ی خورشید» محروم است. شاعر نابودی تاجیکستان در دوران جنگ شهروندی را به «غرق شدن خورشید» تشبیه می‌کند و گویی خورشید نیز در این غم با شاعر همدرد است: «چرا فغان لخچه‌ریز پنجه‌های شفق را / خون سرد غروب می‌کند تکرار / که عشق مرد / که آفتاب می‌میرد...» (همان: ۴۷۱-۴۷۲).

شعر «خاطر خاطره» (همان: ۴۹۰-۴۹۲) نفرت از سیاست‌مداران است که ستون پنجم دشمنان وطن شده‌اند و آتش جنگ را شعله‌ورتر می‌کنند. یکی از اشعار بسیار پرمحتوای گل‌رخسار در این بخش شعر «چهار ضرب» است. وی خائنان میهنش را «دست‌آموزان شیطان» می‌داند: «قسمت در اشک خود غرقیدن / اندر آه خود ترکیدن / از سوزالم مردن / در این دنیای ویرانه / برایم نیست بیگانه. / ولی نه در حضور میر موشان / نه به بزم دست‌آموزان شیطان / نه به دید گشنه‌ی میهن‌فروشان، نه!» (همان: ۵۷۵-۵۷۸).

یکی دیگر از مضامینی که در نوسروده‌های گل‌رخسار دیده می‌شود، انتقاد و اعتراض به اشعار قالبی و یک‌رنگ است. در شعر «صدای بی‌صدایی» (همان: ۴۶۷-۴۷۰) صفی‌اوا خودش را شاعر دردها و اشک‌ها و شاعران حزبی را «مدیحه‌سرایان درگه و دربار» می‌نامد. در شعر دیگری با نام «سرنوشت» (همان: ۵۸۸-۵۹۱) شاعر می‌گوید که از همان ابتدا در محدوده‌ی اشعار قالبی رئالیسم سوسیالیستی نبوده و آزاد و رها شعر می‌سروده است.

۲.۲.۳. آیین محبت و صفا: اصول و ارزش‌های اخلاقی

ارزش‌های اخلاقی همواره مورد تأکید گل‌رخسار بوده است. دعوت به محبت و دوستی و دوری از ضدارزش‌های اخلاقی از جمله مضامینی است که ما در غزل‌های او می‌بینیم. شعر «خانه‌تکانی» شعری اخلاقی و تعلیمی است که شاعر به نکوهش «بدی» می‌پردازد و به «نکوخواهی» تشویق می‌کند و محبت و دوستی را اصل قرار می‌دهد:

مکن بد کز بدی جز بد نروید نکو خواه و نکو بین و نکو کن
بباید خانه‌ی خود را تکاندن نخست اما دلت را دودرو کن
(همان: ۲۲-۲۳)

صفی‌اوا در «غزل تنهایی» (همان: ۸۶-۸۷) نفرت و بیزاری‌اش را از آز و نفاق نشان می‌دهد و تنهایی را به ریا ترجیح می‌دهد. غزل‌های «شادی گریان» (همان: ۱۱۶-۱۱۷)، «توفان» (همان: ۱۲۳-۱۲۴) و «همه خواب‌اند» (همان: ۱۳۱) بیان‌گر نارضایتی صفی‌اوا از ضدارزش‌ها و بی‌اخلاقی‌های جامعه است.

یکی دیگر از قالب‌هایی که مفاهیم و مضامین والای اخلاقی در آن نمود پررنگی دارد، نوسروده‌های وی است. «رگ آتش» (همان، ۱۹۹۶: ۵۰۱-۵۰۳) و «جنگل» (همان: ۵۷۲-۵۷۳) بیانیه‌ی اخلاقی شاعر در نکوهش بی‌اخلاقی‌های طرف‌های درگیر جنگ شهروندی است. در «اشک توفان» (همان: ۵۷۹-۵۸۱) مردم را به مردانگی و مهر و محبت دعوت می‌کند. «بهار سرمازده» (همان: ۵۹۲-۵۹۳) اصول و ارزش‌هایی را بیان می‌کند که سرمای جنگ و دخالت بیگانگان سبب نابودی‌اش شده است.

۲.۲.۴. غم بی‌مذهبی: دین و اعتقادات

یکی از روش‌هایی که گل‌رخسار برای تقویت خودآگاهی دینی در بین مردم تاجیک استفاده می‌کند، استفاده از قهرمانان و اسطوره‌های دینی و عرفانی در شعر است. شاعر از این طریق تلاش می‌کند تا عرفان و دینی را که از سمت بلشویک‌ها مورد حمله واقع شده بود، دوباره به کشور و مردمش بازگرداند. «منصور حلاج» (همان: ۲۱) قهرمان آن منصور حلاج است که در راه حق، سرش را می‌دهد؛ تلاش شاعر از طریق این شعر برای

خودآگاهی دینی تاجیکان مشخص می‌شود. منصور حلاج موتیفی تکرارشونده در شعرهای صفی‌اوا است و این امر اهمیت دین و عرفان را نزد این شاعر مشخص می‌کند. غزل «پیکر سرد» (همان: ۵۱) روایتگر داستان خودباختگی دینی تاجیکان است. یکی از غزل‌های زیبای صفی‌اوا در موضوع هویت دینی و توحید غزل، «ذکر ضیا» (همان: ۷۵-۷۶) است. شاعر در این غزل به توحید و یگانگی خدا اقرار و بیان می‌کند که تصویر خدا را در همه چیز می‌بیند.

«صدای بی‌صدایی» داستان غم‌انگیز درد و غم شاعر در ورطه‌ی جنگ شهروندی است. در میانه‌های شعر هویت دینی و اعتقادی شاعر را می‌بینیم: «من میخ‌های تفسیده را / کشیده‌ام / ز جان تابناک پسر خدای / ز جسم چارمیخ طاقت تحقیر / با انبر ذره‌های خون خسته و سوزان. / ترانه‌های من / فغان لالی مریم قدسی‌اند / در سرگاهواره و تابوت / در عزا و سور حضرت انسان.» (همان ۴۶۷-۴۷۰). گویی جنگ شهروندی را حاصل بی‌اعتقادی‌ها می‌داند! «صبح دروغین» (همان: ۵۲۶-۵۲۷) سوگ‌سروده‌ای است که شاعر در غربت برای تن خسته و مجروح وطنش در بحبوحه‌ی جنگ شهروندی سروده است. در اثنای این شعر نیز اشارات دینی صفی‌اوا را می‌بینیم. همچنین استفاده از عناصر و تلمیحات دینی و عرفانی در شعرهای «سبز آرزو» (همان: ۵۵۶-۵۵۷)، «سرنوشت» (همان: ۵۸۸-۵۹۱) و «شیخ صنعان» (همان: ۵۹۶-۵۹۹) نیز مشاهده می‌شود.

۲.۲.۵. در جست‌وجوی خود: خودشناسی و خودآگاهی

خودشناسی و خودآگاهی از موتیف‌های تکرارشونده‌ی شعر معاصر تاجیک است. گل‌رخسار نیز بسیار به این مضمون توجه کرده و اهمیت آن را در اشعارش به نمایش گذاشته است. غزل «خانه‌تکانی» (همان: ۲۲-۲۳) شعر جست‌وجوی خود است و شاعر می‌گوید در دوره‌ای که همه هویت خود را گم کرده‌اند، باید خودشناسی و خودآگاه باشیم. «ناز هنر» (همان: ۳۹-۴۰) داستان سفر صفی‌اوا به درون خویش است. شاعر خیلی زیبا از معجزه‌ی خودشناسی صحبت می‌کند که حتی می‌تواند خاک مرده را هم اعجاز بخشد و زندگی دهد. «بی‌کفن» (همان: ۵۰) که ردیف آن «خودم» است، لزوم خودآگاهی را

می‌رساند. صفی‌اوا در این شعر خودشناسی فردی را با تاریخ قوم تاجیک پیوند زده است و لزوم خودآگاهی ملی را برای همه‌ی تاجیکان یادآور می‌شود. در غزل «راز جنون» (همان: ۶۸) عالی‌ترین معماری نزد وی، خودساختگی است. مضمون خودشناسی به قدری نزد صفی‌اوا مهم است که در شعرهای «کتاب بیداری» (همان: ۴۸)، «ذکر ضیا» (همان: ۷۵-۷۶) این مضمون و جان‌مایه را به شکل‌های گوناگون می‌بینیم.

صفی‌اوا در اشعار عاشقانه‌اش نیز به مفهوم خودشناسی می‌پردازد که نشان از مهم بودن آن نزد شاعر دارد. چهارپاره‌ی «انتقام زن» (همان: ۲۰۳) این امر را به‌خوبی نشان می‌دهد: «می‌روم کز خویش یابم خویشان را». بدون شک چهارپاره‌ی «خودشناس» مهم‌ترین و عمیق‌ترین شعر صفی‌اوا درباره‌ی خودشناسی است. این شعر بیانی‌هی شاعر درباره‌ی خودشناسی و خودآگاهی است که می‌گوید هدف زندگی خود را شناختن است نه چیز دیگری:

چون گدا بر درگه‌ی عالی‌پناه من به این دنیای گوه‌رناشناس
من مگر بهر پلاسی آمدم؟ از برای خودشناسی آمدم
(همان: ۲۱۳-۲۱۴)

۲.۲.۶. زن‌های گمشده: مسائل و مشکلات زنان

توجه به مسائل و مشکلات زنان از مضامین شعری گل‌رخسار است. در میان قالب‌های شعری او، این مضمون بیشتر در مثنوی‌ها، چهارپاره‌ها و نوسروده‌هایش پررنگ است. مثنوی «هیكل از سنگ پرتاپ» (همان: ۱۵۹) داستان غم و اندوه زنان است. صفی‌اوا در این شعر از درد بی‌پناهی زن و از دلمردگی‌اش می‌گوید. «شه‌پرک» (همان: ۱۶۹) روایت غم‌انگیز خودسوزی زنان تاجیک است. مثنوی «خیابان زن تنها» (همان: ۱۷۴) همان‌گونه که از نامش پیداست، تنهایی و دردهای زنان را به نمایش می‌گذارد.

زن نمودیافته در چهارپاره‌ی «انتقام زن» (همان: ۲۰۳) دیگر از وضع موجود خسته شده است و می‌خواهد با رفتن از همه انتقام بگیرد. «فریاد نهان» (همان: ۲۰۴-۲۰۵) فریاد بی‌کسی زنان و صدای اعتراض و نارضایتی زنان تاجیک است. در «میزان» (همان:

۲۱۸-۲۱۹) می‌گوید که تنها چیزی که زن نیاز دارد، عشق و محبت است. «پیرزن» (همان: ۲۲۳-۲۲۴) داستان پیرزنی تاجیکی است که در طول عمرش رنج‌ها و دردهای زیادی کشیده. «روز محشر» (همان: ۵۱۶-۵۱۷) نوسروده‌ای است که داستان تاجیکستان درگیر جنگ شهروندی را روایت می‌کند. در بند پایانی این شعر، صفی‌اوا به کشته شدن زنان اشاره می‌کند و خطاب به طرفین درگیر این جنگ می‌گوید که دیگر مادری باقی نگذاشته‌اید تا روی مزارم اشک بریزد. بند پایانی شعر «چهارضرب» (همان: ۵۷۵-۵۷۸) بدبختی و گورکاوای زنان تاجیک را در مرداب جنگ شهروندی نشان می‌دهد. «جمعیت تنها» (همان: ۶۲۵-۶۲۷) تصویر زن غمگین تاجیک را نشان می‌دهد که درد و رنجش پایانی ندارد؛ تصویری که نگرانی، تنهایی و خستگی از ظلم‌ها و ستم‌ها را در برابر دیدگان همه به نمایش می‌گذارد. این شعر به مسئله‌ی رفتگری زنان تاجیک نیز اشاره می‌کند. توجه به مسائل و مشکلات زنان را می‌توان در شعرهای «آزادی مرد» (همان: ۶۴۰-۶۴۲)، «یخ‌بندی» (همان: ۶۴۶-۶۴۷)، «دیگ سیاه و شعر سپید» (همان: ۶۱۲-۶۱۳) و... دید.

۲.۲.۷. پیک بهار: امید و آرمان‌گرایی

در اشعار بعد از جنگ صفی‌اوا، آرمان‌گرایی و امید به آینده‌ی سبز و روشن از مضامین برجسته است. غزل «ناز هنر» از این نمونه است:

با آرمان سبز خود با شید نبض خود یک مشت خاک مرده را باغ ثمر کنم
(همان: ۳۹-۴۰)

در غزل‌های «فصل گل کلام» (همان: ۴۱)، «بهار» (همان: ۶۰)، «زبان شعله» (همان: ۶۵) و... که بعد از حوادث جنگ داخلی تاجیکستان سروده شده‌اند، رنگ امید و آرمان‌گرایی شاعر را می‌بینیم و خورشیدی که غرق شده و مرده بود، دوباره با پیام و قیام روشنایی به تاجیکستان می‌تابد و بعد از زمستانی طولانی (حکومت شوروی و جنگ شهروندی) بهار از راه می‌رسد. غزل‌های «گل ناز» (همان: ۹۷-۹۸) و «شادی گریان» (همان: ۱۱۶-۱۱۷) در سال‌های جنگ شهروندی سروده شده است و شاعر در این اشعار سعی می‌کند تا با ترسیم آینده‌ای روشن طرفین جنگ را آرام کند.

«خمار عشق» (همان: ۴۲۴-۴۲۶) تصویر زیبای رؤیا و امید شاعر است که هنوز هم در دلش امید سرسبزی و بهار را دارد. «بهارانه» (همان: ۴۲۹-۴۳۱) چشم‌انتظاری شاعر را نشان می‌دهد. او چشم‌انتظار «قاصد چرخ برین» و «روح انسان‌آفرین» است تا با آمدنش تمام درد و رنج‌هایی را که در طول جنگ شهروندی کشیده است، التیام بخشد. «آینه‌دار خورشید» (همان: ۴۳۴) به زیبایی و با لحنی رمانتیک و با همدلی طبیعت امید را به تصویر می‌کشد. در شعر «زبان‌های نار» هنوز به دیار خزان‌رسیده‌اش (جنگ شهروندی) امیدوار است. او هنوز امید دارد تا بار دیگر جوانه‌ها برویند: «در این بهار خزان‌رسیده، / نهالک پر از جوانه‌ای، / شکفتنی است در خمار زیستنم» (همان: ۴۴۲-۴۴۳). امید سبز گل‌رخسار را در شعرهای «درود! بدرود!» (همان: ۴۴۴-۴۴۵)، «ملت خورشید» (همان: ۴۷۵-۴۷۷)، «ستاره‌شکوف» (همان: ۴۸۰-۴۸۱) و... نیز می‌بینیم: «اگر چه دیروز تو را / با نسل خودسوز تو کشتند، / نور احیای تو را / در دیده‌ی آینده می‌بینم.» (همان: ۴۷۶)

۳. نتیجه‌گیری

بر پایه‌ی بررسی شعر و دستگاه اندیشگانی شاعر براساس میراث رمانتیسم اجتماعی، مشخص شد که گل‌رخسار یکی از برجسته‌ترین شاعرانی است که در این جریان شعر معاصر تاجیک، حضور پررنگ و مؤثری دارد. شعر وی بر دو پایه استوار است: طبیعت برون و جهان درون و همین امر سبب شده است تا اشعارش هم رمانتیک باشد و هم متعهد به مردم و جامعه. براساس تحلیل و صورت‌بندی رمانتیسم اجتماعی در مجموعه‌ی شعر وی، فراوانی توجه شاعر به مؤلفه‌های این مکتب در جدول زیر ارائه می‌شود:

جدول شماره ۱. چشم‌انداز رمانتیسم اجتماعی در میراث شعری گل‌رخسار

ردیف	قالب شعری و تعداد شعرها	مؤلفه‌های رمانتیسم اجتماعی													
		وطن		اعتراض		اخلاقی		اعتقاد		خودشناسی		زنان		امید	
		فردانی	عمده	فردانی	عمده	فردانی	عمده	فردانی	عمده	فردانی	عمده	فردانی	عمده	فردانی	عمده
۱	غرل، ۷۷	۲۸	۳۶/۳۶	۲۲	۵۶/۵۶	۹	۱۱/۶۸	۷	۹/۰۹	۹	۱۱/۶۸	۴	۵/۶۹	۱۰	۱۲/۹۸
۲	قطعه، ۱۷	۳	۱۷/۲۲	۶	۳۵/۲۹	۱	۵/۸۸	-	-	۲	۱۱/۷۶	-	-	-	-
۳	مثنوی، ۲۵	۱	۴	۵	۲۰	-	-	-	-	۲	۸	۶	۲۲	-	-
۴	چهارپاره، ۷۰	۶	۸/۵۶	۱۹	۲۷/۱۴	۸	۱۱/۲۲	۴	۵/۷۱	۷	۱۰	۴	۸/۵۷	۴	۸/۵۷
۵	ناب‌های دیگر، ۲۲	۴	۹/۵۴	۲۱	۵۰	۵	۱۱/۹۰	۳	۷/۱۴	۳	۷/۱۴	۲	۴/۷۶	۳	۷/۱۴
۶	رباعی، ۱۱	۲	۱۸/۱۸	۳	۱۸/۱۸	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۷	دوبیتی، ۷	۲	۲۸/۵۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۸	نوسروده‌ها، ۱۲۰	۲۵	۲۰/۸۳	۷۷	۶۴/۱۶	۸	۶/۶۶	۱۶	۱۱/۶۶	۳	۳/۵	۱۱	۹/۱۶	۲۱	۱۷/۵
Σ	۳۶۹	۷۱	۱۴/۱۴	۱۷۲	۴۶/۶۱	۳۳	۸/۹۴	۲۸	۷/۵۸	۲۶	۷/۰۴	۲۹	۷/۵۵	۴۰	۱۰/۸۴

یادداشت‌ها

۱. مکتب رمانتیسم، پیامد تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان غرب به شمار می‌رود و انقلابی است که در اصول اندیشه، فکر و عوامل اجتماعی و سیاسی در قرن هجدهم میلادی رخ داد. از مهم‌ترین کتاب‌ها و تحقیق‌هایی که در این حوزه و در ایران نوشته شده است، می‌توان به کتاب‌های *سیر رمانتیسم در اروپا (۱۳۷۸)*، *سیر رمانتیسم در ایران از مشروطه تا نیما (۱۳۸۶)* از مسعود جعفری جزی و *مکتب‌های ادبی از رضا سیدحسینی* اشاره کرد.

منابع

ارجمندی، عبدالمجید. (۱۳۹۰). *بررسی تطبیقی ادب پایداری در شعر شاعران معاصر ایران، افغانستان و تاجیکستان سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۲*. پایان‌نامه‌ی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی.

الیوت، تی. اس. (۱۳۷۵). *برگزیده‌ی آزاد در قلمرو نقد ادبی*. ترجمه‌ی سیدمحمد دامادی، تهران: گسترده.

بچکا، یژوی. (۱۳۷۲). *ادبیات فارسی در تاجیکستان*. ترجمه‌ی سعید عبانژاد هجران دوست و محمود عبادیان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.
جعفری جزی، مسعود. (۱۳۸۶). *سیر رمانتیسیم در ایران از مشروطه تا نینما*. تهران: نشر مرکز.

_____ (۱۳۸۷). *سیر رمانتیسیم در اروپا*. تهران: نشر مرکز.
حسین‌پور چافی، علی. (۱۳۸۴). *جریان‌های شعری معاصر فارسی از کودتا (۱۳۳۲) تا انقلاب (۱۳۵۷)*. تهران: امیرکبیر.

خدایار، ابراهیم. (۱۳۸۴ الف). *از سمرقند چو قند: گزینه‌ی شعر معاصر فارسی تاجیکی ازبکستان*. تهران: اشاره و مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس.
_____ (۱۳۸۴ ب). *غریبه‌های آشنا: شعر فارسی ماوراءالنهر قرن بیست با تکیه بر محیط‌های ادبی خوقند و خوارزم*. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات ملی.

_____ (۱۳۹۷ الف). «دختر زاینده‌رود». *اطلاعات*، سال ۹۳، شماره‌ی ۲۷۰۵۸، ص ۶.
_____ (۱۳۹۷ ب). «دوره‌بندی شعر معاصر تاجیک: از روشنگری تا استقلال». *نقد و نظریه‌ی ادبی*، سال ۳، شماره‌ی ۵، صص ۲۱-۴۵.

_____ (۱۳۹۸ الف). «تحلیل نوستالژی وطن در میراث شعری بانوی تاجیک، گل‌رخسار صفی‌اوا». *شعرپژوهی*، سال ۱۱، شماره‌ی ۴، صص ۴۷-۷۰.

_____ (۱۳۹۸ ب). «تحول مفهوم وطن در ادب معاصر تاجیک: از معارف‌پروری تا استقلال و خودآگاهی ملی». *متن‌پژوهی ادبی*، سال ۲۳، شماره‌ی ۸۲، صص ۳۵-۶۰.
دادخواه، حسن؛ حیدری، محسن. (۱۳۸۵). «رمانتیسیم در شعر بدر الشاکر السیاب». *ادب و زبان*، شماره‌ی ۱۹، صص ۱۱۵-۱۲۹.

ذبیح‌الله، بهروز. (۱۳۸۶). «بررسی تحولات شعر تاجیکستان: شعر دوران استقلال». برگرفته

از <http://www.Persianblog.daryo.tag.ir> اسفند

روسوا، س. ن. و ی. ا. کورزوف (۱۳۹۴). «ماکسیم گورکی» در *تاریخ ادبیات قرن بیستم روسیه*. ترجمه‌ی آبتین گلکار، تهران: چشمه.

- روسوا، س. ن. ت. پ. رودایا؛ ی. ا. کورزوف. (۱۳۹۴). *ادبیات اواسط دهه‌ی ۱۹۵۰- دهه‌ی ۱۹۶۰ در تاریخ ادبیات قرن بیستم روسیه*. ترجمه‌ی آبتین گلکار، تهران: چشمه.
- ستارزاده، عبدالنبی. (۲۰۰۲). «مؤمن قناعت و شعر نوین تاجیکی» در *کهنه و نو*. دوشنبه: پژوهشگاه فرهنگ فارسی-تاجیکی، ۱۳۸۴. صص ۸۶-۹۵.
- سیدحسینی، رضا. (۱۳۸۷). *مکتب‌های ادبی*. ج ۱، تهران: نگاه.
- شعر دوست، علی اصغر. (۱۳۷۶). *چشم‌انداز شعر معاصر تاجیکستان*. تهران: الهدی.
- شفیع‌پور فومنی، محمداسماعیل. (۱۳۹۷). *بررسی و شناخت جریان‌های شعری ایران و تأثیر آن بر شعر معاصر تاجیکستان پس از انقلاب*. پایان‌نامه‌ی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی.
- شکورزاده، میرزا. (۱۳۷۳). *تاجیکان در مسیر تاریخ*. تهران: الهدی.
- شکوری بخارایی، محمدجان. (۱۳۸۲). *جستارها درباره‌ی زبان، ادب و فرهنگ تاجیکستان*. تهران: اساطیر.
- _____ (۱۹۷۸). *صدرالدین عینی*. دوشنبه: عرفان
- _____ (۱۳۸۴). *سرنوشت فارسی تاجیکی فرارود در سده‌ی بیست میلادی*. دوشنبه: رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان.
- صفی‌اوا، گل‌رخسار. (آبان ۱۳۹۳). «مادر ملت تاجیک: گفت‌وگوی محمدجواد آسمان با گل‌رخسار صفی». *شعر*، سال ۲۲، شماره‌ی ۷۲، صص ۵۴-۸۷.
- _____ (۱۳۹۵). *مجموعه اشعار*. با مقدمه سیمین بهبهانی، تهران: نگاه.
- ظهراب‌بیگی، ناهید. (۱۳۹۴). *مقایسه‌ی مؤلفه‌های فکری در اشعار پروین اعتصامی و گل‌رخسار صفی‌اوا*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه لرستان.
- علی‌اکبرزاده، مرجان. (۱۳۹۲). «عاشقانه‌های سیاسی و اجتماعی در شعر معاصر تاجیکستان». *پژوهشنامه‌ی ادب غنایی*، سال ۱۱، شماره‌ی ۲۰، صص ۱۸۱-۱۹۶.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). *بلاغت تصویر*. تهران: سخن.
- قزوه، علیرضا. (۱۳۷۶). *خورشیدهای گمشده*. تهران: سوره مهر.

مسلمانیان قبادیانی، رحیم. (۱۳۷۶). *زبان و ادب فارسی در فرارود*. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

مهرداد، مجیب؛ ذبیح‌الله، بهروز. (۱۳۹۰). *زنگوله زنان گذشت باران: سیری در شعر معاصر تاجیکستان*. کابل: آرمان شهر.

نعمتی، یاسمن. (۱۳۹۱). *بررسی سبک‌شناسانه‌ی اشعار گل‌رخسار صفی‌اوا*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.

نکوئیان، اعظم. (۱۳۹۸). *بررسی مضامین اشعار سیمین بهبهانی و گل‌رخسار صفی‌اوا*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه ولی‌عصر.

وهاب، رستم. (۱۳۹۳). *بوی جوی مولیان، شعر معاصر تاجیک*. تهران: انجمن شاعران ایران.

یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). *جویبار لحظه‌ها: جریان‌های ادبی معاصر ایران*. تهران: جامی.

Асозода, Худойназар. (1999). *Адабиёти Тоҷик дар Сади XX*. Ҷ3. Душанбе: Маориф.